

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹

تاریخ دریافت: ۱۳/۰۵/۱۳۹۹

تاریخ تصویب: ۱۵/۰۷/۱۳۹۹

صفحات: ۲۵-۴۴

زمینه‌ی اجتماعی تاثیرگذار بر شکل‌گیری جنبش اجتماعی

محیط‌زیست‌گرایی در ایران

محمدعلی گل‌محمدزاده

دانشجوی دکتری رشته جامعه‌شناسی سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

علیرضا اسمعیل‌زاد*

استادیار و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، ایران.

پرویز احدی

پرویز احدی، استادیار و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، ایران.

چکیده

در این پژوهش زمینه‌ی اجتماعی تاثیرگذار بر شکل‌گیری جنبش اجتماعی محیط‌زیست‌گرایی در ایران با استفاده از نظریه‌پردازان جنبش‌های اجتماعی جدید بویژه یورگن هابرماس، آنتونی گیدنز و آلن تورن مورد بررسی قرار گرفته است. نظریه غالب بر این تاکید دارد که جنبش اجتماعی محیط‌زیست نیز عموماً نه تنها مخرب نیست، بلکه لازمه زندگی اجتماعی جهت تحولی نو برای زیست بشری محسوب می‌شود، و با قبول شرایط مدرنیته متاخر و جهانی شدن، بازاندیشی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی جزو لاینفک زیست بشری است، و عرصه عمومی در جهان مدرن و یا پسامدرن حلقه مفقوده است که بایستی حکمرانی این عرصه را برای ارتباط بین جامعه مدنی و حکومت مناسب‌سازی کند. در این مقاله، با توجه به بررسی پیشینه‌های تحقیق در دامنه موضوع مقاله حاضر، پاسخی مطلوب ارائه نشده است، به همین منظور، سوال اصلی این پژوهش عبارت است از: زمینه‌های اجتماعی تاثیرگذار بر شکل‌گیری «جنبش محیط‌زیست‌گرایی» در ایران چیست؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه مقاله حاضر به شرح ذیل بیان می‌کند: پیامدهای جهانی شدن و مدرنیته متاخر یا مدرنیزاسیون بازاندیشانه زمینه اجتماعی خارجی و گسترش تردیدها در خصوص نتایج مدرنیزاسیون و افزایش آگاهی نسبت به ضرورت مراقبت از اکولوژی سیاره و تقاضای انسانی کردن تکنولوژی در میان بخشی از جامعه را زمینه اجتماعی داخلی «جنبش محیط‌زیست‌گرایی» در ایران می‌توان دانست.

واژگان کلیدی: جنبش اجتماعی جدید، محیط‌زیست‌گرایی، مدرنیته متاخر، زمینه اجتماعی، جهانی شدن.

مقدمه

در نیمه‌ی دوم قرن بیستم در غرب، حرکت‌های فراگیر اجتماعی در قالب جنبش‌های مدنی به عاملی برای تغییر ساختارهای جامعه تبدیل شدند. پافشاری جمعی از هواداران حفظ محیط‌زیست بر لزوم حذف آلاینده‌های محیط طبیعی از چرخه‌ی تولید صنعتی منجر به شکل‌گیری ساختارهای حقوقی و اجرایی پالایش محیط‌زیست انسانی، حفاظت از محیط طبیعی در برابر آسیب‌های ناشی از جنگ، و استفاده‌ی بی‌رویه از سوخت‌های فسیلی نیز شد. صنعت و افزایش نیازمندی‌های بشری و تصرف منابع طبیعی و آلودگی حاصل از اینگونه تصرفات به اشکال مختلف باعث تهدید جدی سلامت بشر شده است. در واقع، دخل و تصرف بی‌رویه بحران محیط‌زیست را به جهان امروزی تحمیل کرده است، و این بحران به مهم‌ترین گرفتاری جهان تبدیل شده است. لذا، برای مقابله با این بحران، مشارکت مردمی بیش از پیش ضروری شد و به لحاظ اهمیت محیط‌زیست در حوزه سلامت بشری، جنبش‌های اجتماعی برای جلوگیری از تهدیدات محیط‌زیستی در سرتاسر جهان از جمله ایران شکل گرفته‌اند تا این مشارکت را جهت‌دهی و هدایت کنند. جنبش محیط‌زیست در ایران از اواسط دهه ۱۳۷۰ شکل گرفت، ولی هنوز آرمان‌های کلی خود را پیدا نکرده است. سازمان غیردولتی زیست‌محیطی حرکت خود را زودتر به عنوان یک تشکل غیررسمی از سال ۱۳۴۹ آغاز کرد.

در اوایل سال ۱۳۷۰، به تدریج ۴ الی ۵ سازمان غیردولتی زیست‌محیطی در کشور تشکیل شد که این روند به تدریج رو به افزایش نهاد و در حال حاضر، به اوج خود رسیده است. فعالیت اکثر این سازمان‌ها، آگاه‌سازی و آموزش است و غالباً درباره مسائل محیط‌زیست شهری کار می‌کنند، ولی برخی مسائل تخصصی مانند حیوانات، توسعه روستایی، بیابان‌زدایی و حفاظت از جنگل نیز در دستور کار آن‌ها دیده می‌شود. افزایش ابهام‌ها در مشکلات جهان‌گستری همچون مسائل زیست‌محیطی، سیاست‌گذاری جهانی در خصوص این موضوعات را با پیچیدگی‌هایی مواجه کرده است، به طوری که جامعه بین‌المللی نیازمند شناخت و آگاهی یافتن از این مسائل با اهمیت برای برخورد و تصمیم‌سازی مناسب در مورد آن‌هاست. اجتماعات شناختی از کنشگرانی هستند که با تحقیق و بررسی، معرفی مسائل، انتشار آگاهی، فراهم کردن گفتمان جمعی و گزینش سیاست‌ها، زمینه‌ساز سیاست‌گذاری در حوزه موضوعات و مشکلات زیست‌محیطی هستند. این مقاله با طرح سوال زمینه‌های اجتماعی تاثیرگذار بر شکل‌گیری جنبش محیط‌زیست‌گرایی در ایران چیست؟ با فرض این که پیامدهایی جهانی شدن و مدرنیته متاخر یا مدرنیزاسیون بازاندیشانه زمینه خارجی و گسترش تردیدها در خصوص نتایج مدرنیزاسیون و افزایش نسبت مراقبت از اکولوژی سیاره و تقاضای انسانی کردن تکنولوژی در میان بخشی از جامعه را زمینه اجتماعی داخلی جنبش محیط‌زیست‌گرایی می‌توان دانست، به دنبال تبیین

_____ زمینه‌ی اجتماعی تاثیرگذار بر شکل‌گیری جنبش اجتماعی محیط‌زیست‌گرا..... ♦
زمینه‌های اجتماعی تاثیرگذار بر جنبش محیط‌زیست‌گرایی در ایران است.

مفاهیم نظری

اندیشه‌ی مراقبت از محیط‌زیست و محافظت بوم‌شناسانه از آن، نخستین بار در کتاب «انسان و طبیعت» (۱۸۶۴) نوشته‌ی «جورج پرکینز مارش» بیان شده است (آذرنگ، ۱۳۶۴: ۱۱۱). اما در دهه ۱۹۶۰، بحث داغ محیط‌زیست و تکنولوژی به اوج خود رسید. در واقع، پس از جنگ جهانی دوم و پیشرفت حیرت‌انگیز تکنولوژی به ویژه در جریان جهانی شدن محیط‌زیست، به صورت‌های گوناگون با تهدید عوامل مختلف روبرو شد.

یکی از موضوع‌های قابل بحث در مقوله جهانی شدن، توجه به این نکته است که افزایش حجم تجارت می‌تواند منجر به تخریب محیط‌زیست شود. اقتصاددانان بر این باورند که گسترش تجارت از بازارهای داخلی به بازارهای بین‌المللی نه تنها سهم بازار را برای کشور داخلی افزایش می‌دهد، بلکه می‌تواند به افزایش رقابت بین ملت‌ها منجر شود که در نتیجه، منجر به بهبود کارایی استفاده از منابع کمیاب می‌شود؛ زیرا در این وضعیت، هر کشور، کالاها و خدماتی را تولید خواهد نمود که در آن با مزیت نسبی مواجه می‌باشد، اما از سوی دیگر، اقتصاددانان محیط‌زیست مخالف گسترش حجم تجارت جهانی بوده و بر این باورند که هزینه‌های افزایش حجم تجارت به بازارهای بین‌المللی می‌تواند منجر به تخلیه منابع طبیعی و افزایش آلودگی شده که در نتیجه آن، کیفیت محیط‌زیست تخریب می‌شود (Kazeroni & Foshari, 2010).

اواخر دهه هفتاد میلادی، مسائل مربوط به تجارت و محیط‌زیست اوج گرفت و طرفداران محیط‌زیست در اعتراض به وضعیت اسفناک محیط‌زیست و توسعه روزافزون تجارت، مخالفت‌ها و نشست‌های گسترده‌ای در نقاط گوناگون جهان سامان دادند (Mobarak & Mohammadloo 2011). جهانی شدن به فرآیندی اشاره دارد که از راه آن، اقتصادهای ملی بازتر شده و بیشتر تحت تأثیر اقتصاد فراملی قرار می‌گیرند. صندوق بین‌المللی پول، جهانی شدن را ادغام وسیع‌تر و عمیق‌تر تعریف می‌کند. به بیان دیگر، جهانی شدن، رشد وابستگی متقابل اقتصادی کشورها در سراسر جهان از راه افزایش حجم و تنوع مبادلات کالاها، خدمات و جریان سرمایه در ماورای مرزها و همچنین، از راه پخش وسیع‌تر فناوری است (Gholkhandan, 2016).

از آنجا که جهانی شدن به رشد اقتصادی کمک می‌کند، بنابراین، از طریق همان راه‌هایی که رشد اقتصادی بر پایداری محیط‌زیست اثر می‌گذارد، جهانی شدن نیز بر محیط‌زیست اثر خواهد گذاشت (Panayotou, 2000). به طور کلی، جهانی شدن فرآیند کاملی است که ادغام اقتصاد از راه تجارت، سرمایه‌گذاری، جریان سرمایه، اطلاعات و فعل و انفعالات سیاسی،

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹ ———

فناوری، اطلاعات و فرهنگ را در بر می‌گیرد و از آنجا که تمام ابعاد جهانی شدن بر محیط‌زیست طبیعی و در نتیجه، بر توسعه پایدار اثر می‌گذارد، امروزه جهانی شدن نقشی عمده در بحث‌های مربوط به محیط‌زیست و توسعه پایدار دارد. با این حال، این موضوع که جهانی شدن در کل اثر مطلوبی بر محیط‌زیست دارد یا موجب تنزل کیفیت محیط‌زیست می‌شود، هنوز مبهم است. به طور کلی، در این رابطه دو دیدگاه وجود دارد: برخی معتقدند اثر خالص جهانی شدن به عنوان نیرویی که به پیشرفت و بهبود زندگی ختم می‌شود، بر محیط‌زیست مثبت است. این گروه به رشد اقتصادی فکر می‌کنند و معتقدند جهانی شدن با رشد اقتصادی فزاینده‌ای همراه بوده و با افزایش درآمدهای واقعی افراد، تقاضا برای بهبود کیفیت محیط‌زیست را افزایش می‌دهد. گروه دیگر بر این باورند که جهانی شدن به فرآیند تخریب محیط‌زیست به وسیله مصرف زیاد مردم و تخلیه منابع طبیعی به منظور تولید بیشتر که خود نتیجه رشد اقتصادی است، دامن می‌زند؛ بنابراین، این گروه اثر جهانی شدن بر محیط‌زیست را منفی ارزیابی می‌کنند (Jafaree .Samimi & Gholami, 2015).

پس از اجرای جهان زمین (محیط‌زیست) در ریو دوژانیرو در سال ۱۹۹۲م، اقدامات در این زمینه در ایران وارد عرصه جدیدی گردید و شورای عالی حفاظت محیط‌زیست به عنوان مرجع اصلی پیگیری موضوع، فعالیت‌هایی را آغاز نمود. اولین اقدام عملی در این ارتباط، تشکیل کمیته ملی توسعه پایدار با حضور نمایندگان دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط بود (روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۵). این کمیته در شهریور ۱۳۷۲ به منظور سیاست‌گذاری و هماهنگی برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور با اهداف حفاظت از محیط‌زیست و دستاوردهای اجلاس زمین (ریو۱۹۹۲م) توسط شورای عالی حفاظت تشکیل گردید و اهدافی را به شرح ذیل برای خود تعریف کرد:

۱- بررسی پیش‌نویس راهبرد توسعه پایدار و محیط‌زیست و ارائه پیشنهاد به شورای عالی
۲- ایجاد و گسترش بانک اطلاعات مربوط ۳- ارائه پیشنهاد به منظور تعیین سیاست واحد و هماهنگ به شورای عالی در خصوص مجامع بین‌المللی ۴- برنامه‌ریزی پروژه‌های مشترک اجرایی، تحقیقاتی در زمینه کنوانسیون‌های مرتبط با کمیته ملی و با کشورهای منطقه ۵- بررسی و اظهارنظر در خصوص اموری که از طرف شورای عالی حفاظت محیط‌زیست ارجاع شود (طراوتی، ۱۳۷۷).

روشن است روند مصرف‌گرایی در قرن بیستم، جهان را با مشکل تخریب محیط‌زیست و از بین رفتن منابع زیست‌محیطی، گرم شدن زمین، و گازهای گلخانه‌ای روبرو می‌کند. هرچند میزان رشد صنعت در برخی حوزه‌های زیست‌بشری موجب خدمات به بشریت شده است، اما خسارات زیادی نیز به محیط‌زیست وارد کرده است که در صورت عدم توجه به خسارت وارده، عواقب جبران‌ناپذیری در زیست جهان بوجود خواهد آمد. انقلاب صنعتی بعد از رنسانس برای

_____ زمینه‌ی اجتماعی تاثیرگذار بر شکل‌گیری جنبش اجتماعی محیط‌زیست‌گرا..... ♦
پاسخ به نیاز مصرفی بشر با توجه به رشد جمعیت، دخالت بشر را در طبیعت هر روز بیشتر از روز قبل کرد. افزایش تعداد کارخانه‌ها و انواع ماشین‌آلات برای تولید کالاهای مصرفی، صاحبان این صنایع را بیشتر به تصرف جهت برداشت منابع طبیعی ترغیب کرد. این در حالی است که توجهی به تولید انواع فاضلاب صنعتی که تخریب محیط‌زیست را دوچندان می‌کرد، اهمیتی قائل نشدند و تنها منافع آنی را هدف نهایی خود می‌دانند.

جهان جدید همراه با این چالش‌ها، حیات بشر را از زوایای گوناگون مادی و معنوی تحت تاثیر خود قرار داد. از این رو، انسان امروزی را به بازنگری اساسی نسبت به یافته‌های خود وا داشت و سبب گردید تکان‌های شدیدی در ذهنیت زندگی انسان صنعتی به وجود آورد، به نحوی که انسان جدید بتواند ضمن بهره‌گیری از دستاوردهای پرشتاب عصر صنعتی، جهان زیست قابل‌قبول و هماهنگ‌تر با طبیعت را ایجاد نماید. گرایش‌های فکری و جنبش‌های حفاظت از محیط‌زیست تعیین‌کننده‌ترین گفتمان در این راستاست. این دیدگاه در واقع به دنبال ارائه رهیافتی است که تلاش می‌نماید تا با دگرگونی روابط انسان صنعتی با جهان طبیعی غیرانسانی، شیوه زندگی اجتماعی و سیاسی و حیات طبیعی پایدار و شکوفایی را برای انسان جدید توضیح دهد و نگرش فرجام‌گرایانه مبتنی بر حفظ محیط‌زیست در روابط بین انسان و طبیعت ارائه نماید. از این رو، این نگرش در قالب میانه‌روانه آن سعی دارد ضمن بهره‌گیری از تمدن صنعتی، تاثیر صنعت و دخالت انسان را در طبیعت کنترل نماید. بوم‌گرایی و جنبش محیط‌زیست‌گرایی تنوع وسیعی از عقاید علمی، دینی، اقتصادی و سیاسی را در پوشش خود قرار می‌دهد، ولی در مجموع، این جریان نگرشی علمی و فلسفی تلقی می‌گردد (درخشه، ۱۳۸۴: ۱۶۰-۱۶۱).

دهه ۱۹۷۰ تحقیق‌هایی را به همراه داشت که به طور خاص مرتبط با مصرف و محیط‌زیست بود. البته، این مطالعه‌ها بر الگوهای رفتاری مصرف‌کنندگان فردی تمرکز داشت. همراه با بحران‌های انرژی، تحقیق‌های فراوانی به رفتار استفاده و صرفه‌جویی در انرژی علاقه‌مند شدند و مهندسين را تشویق به وارد شدن در موضوع‌هایی مانند: سبک زندگی و به تدریج اندیشه‌وران علوم اجتماعی را به مطالعه‌هایی درباره انرژی جذب کردند. در دهه ۱۹۸۰، دو اثر بسیار مهم به نام‌های «استراتژی‌های حفاظت جهانی» و «گزارش براتلند» به چاپ رسیدند. گزارش براتلند بر این نکته تأکید دارد که مشکل‌های زیست‌محیطی کشورهای در حال توسعه به تمام کشورهای دنیا ارتباط پیدا می‌کند. در کتاب دوم نیز برای نخستین بار اصطلاح توسعه پایدار به طور وسیع مورد استفاده قرار گرفت. می‌توان گفت این دو اثر رابطه جدیدی بین علوم اجتماعی، علوم طبیعی، اقتصادی و سیاست‌گذاری پدید آوردند و به احتمال قوی از مهمترین نوشته‌های قرن بیستم شمرده می‌شوند (فراهانی‌فرد، ۱۳۸۸: ۱۰۱).

۱- عوامل مخرب محیط‌زیست به باور اکثریت محیط‌زیست‌گرایان

۱-۱. نقش صنعت در تخریب محیط‌زیست

بدون شک، الگوی توسعه اقتصادی در جهان طی قرن بیستم و به ویژه پس از جنگ دوم جهانی متضمن بهره‌گیری بی‌حساب و فزاینده از منابع طبیعی بوده است که خود ضمن تخریب این منابع، بر آلودگی‌های زیست‌محیطی نیز افزوده و به تبع آن، مسائل زیست‌محیطی را شکل داده است. از این رو، یکی از مؤلفه‌های مهم اندیشه زیست‌محیطی تمرکز بر اصل بقا و قناعت است، بدین معنی که انسان‌ها باید این موضوع را درک نمایند که نظام تولید صنعتی نابودی محیط‌زیست را فراهم می‌آورد که باید این نظام مورد تأمل و تجدیدنظر واقع شود و ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی و زیست‌محیطی نوین بر ارزش‌های مبتنی بر اقتصاد صنعتی اولویت یابد. بنا بر این مفهوم، توسعه پایدار برای آینده‌ای ماندگار برای آنان یک مفهوم کانونی است (درخشه، ۱۳۸۴: ۱۶۸).

از دیدگاه «اندرو دابسون»، سه اندیشهٔ اصولی در ارتباط با نظریه محدودیت‌های رشد وجود دارند: نخست این اندیشه مطرح است که راه‌حل‌های تکنولوژیک (یعنی راه‌حلهایی که اساساً در چارچوب محدوده‌های عملکردهای کنونی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مطرح می‌شوند) جامعه ماندگاری را به بار نخواهد آورد. دوم اینکه نرخ‌های رشد شتابان مورد هدف جوامع صنعتی شده و رو به صنعتی شدن که معنایی جز انباشته شدن هرچه بیشتر خطرها در یک مدت زمان به نسبت طولانی ندارد، می‌تواند پیامد ناگهانی مصیبت‌بار داشته باشد. سومین اندیشه به قضایای مربوط به کنش متقابل ناشی از رشد ارتباط دارد، یعنی حل یک مسأله موجب حل مسائل دیگر نمی‌شود، بلکه حتی ممکن است آن‌ها را وخیم‌تر سازد (همان، ۱۳۸۴: ۱۶۰-۱۶۱).

در دیدگاه محیط‌زیست‌گرایان، وظیفهٔ علم اقتصاد امروز بازاندیشی و تعدیل در پیش‌فرض‌های معمول دربارهٔ طبیعت و غایت فعالیت‌های اقتصادی به ویژه در ارتباط با زمین و منابع آن است. بر این اساس، دیگر رفتار خشن، بی‌پروا و استثمارگرانه نسبت به طبیعت با تردیده‌های جدی روبرو است و این توقع را به شکل اصلی خدشه‌ناپذیر درآورده است که موضوع رشد اقتصادی و توسعه صنعت را باید در کنار حفظ محیط‌زیست در نظر گرفت. از این روست که محیط‌زیست‌گرایان استدلال می‌کنند و می‌گویند که گونه بشر فقط در صورتی بقا می‌یابد و سعادت‌مند خواهد شد که بپذیرد عنصری از یک کره پیچیده است و دیگر اینکه فقط یک زیست کره سالم و متوازن می‌تواند حیات بشر را حفظ نماید. بدین سبب، بهره‌گیری از سوخت‌های فسیلی را باید در چارچوب سیاست کاهش شدید مصرف آن و جستجو برای یافتن انرژی‌های جایگزین (نو) متمرکز ساخت.

لذا، محیط‌زیست‌گرایان شدیداً از دولت‌ها می‌خواهند در سیاست‌های مربوط به انرژی

_____ زمینه‌ی اجتماعی تاثیرگذار بر شکل‌گیری جنبش اجتماعی محیط‌زیست‌گرا..... ♦
تجدیدنظر کرده و دریچه‌های جدیدی به سوی بهره‌گیری از انرژی‌های بادوام و نو را بگشاید. بعضی از محیط‌زیست‌گرایان افراطی به ایجاد یک عصر پسا صنعتی اعتقاد دارند، یعنی عصری که تکنولوژی و صنعت کنار گذاشته شده و بازگشت به طبیعت مهیا گردد. فراتر از آن دیدگاهی است که معتقد است اساساً جامعه صنعتی دیگر قادر به پدید آوردن احتیاجات انسانی نیست و باید در درون جنبش سبز جریان روی آوردن به معنویت را احیاء کرد. به نظر آن‌ها، نظام صنعتی تنها با ایجاد خواست‌های کاذب و ارزش‌های فاسد اخلاقی می‌تواند رضایت‌خاطر افراد را فراهم آورد. بنابراین، جهت هرگونه تجدیدنظر در جامعه نوین، ضرورت دارد تجدیدنظر اساسی در آگاهی انسان در ارتباط متقابل او با طبیعت صورت پذیرد (آذرنگ، ۱۳۶۴: ۱۴۰).

۱-۲. جمعیت

موضوع کاهش جمعیت، یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم اندیشه محیط‌زیست‌گرایان به شمار می‌آید. این موضوع بیش از دو قرن و در جریان توسعه صنعتی مورد توجه جدی واقع شده است. از جمله پیشگامانی که دربارهٔ رشد بی‌رویه جمعیت نظر داده، «توماس مالتوس» است. ایشان اعتقاد دارد این رشد بی‌رویه باعث قحطی مواد غذایی خواهد شد. اکولوژیست‌های امروزی نیز به دنبال کاهش رشد جمعیت می‌باشند که برخی دیدگاه‌های آن‌ها متعصبانه و متوجه جهان جنوب می‌گردد.

در حالی که آلودگی‌های محیط‌زیستی، مصرف بالا و بهره‌گیری گسترده از طبیعت مربوط به جهان صنعتی و کشورهای شمالی می‌باشد، این جنبه از اندیشه‌های محیط‌زیست‌گرایان موافقت‌ها و مخالفت‌های جدی را در پی داشته است؛ به نحوی که اجرای سیاست کاهش جمعیت در کشورهای جهان سوم با عکس‌العمل‌های مهمی روبرو بوده و این اعتقاد را تقویت کرده است که جهان صنعتی خود مخرب محیط‌زیست و نیز دارای مصرف بالا است، عامل اساسی تخریب محیط‌زیست به شمار می‌آید و نه جمعیت در کشورهای جهان سوم. حتی این توضیح در کنفرانس زمین ریو در سال ۱۹۹۴ نیز بحث‌های جدی را بین شمال و جنوب به وجود آورد. با این وجود، محیط‌زیست‌گرایان میانه‌رو نگاه سبزی‌های افراطی را در کاهش جمعیت رد می‌نمایند. بیانیه حزب سبزی‌های آلمان در سال ۱۹۹۴ که اقدام‌های اجباری و سرکوبگرانه مهار جمعیت را محکوم نمود، نمونه‌ای از آن می‌باشد (درخشه، ۱۳۸۴: ۱۷۰-۱۷۱).

۱-۳. جهان‌گرایی

یکی دیگر از مؤلفه‌های تفکر محیط‌زیست‌گرایی، «جهانی فکر کردن» و «محلی عمل کردن» است. این شعار به نحو آشکاری بیانگر این واقعیت است که سیاست در نزد محیط‌زیست‌گرایان محدود در سطح دولت-ملت نیست، بلکه محدودهٔ عمل سیاست هم جهانی و هم شامل انسان‌هاست. باید تفکر محیط‌زیست‌گرایی را جهان‌گرایانه و آن هم، نه صرفاً به معنی انسانی

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹ ———
آن، بلکه شامل طبیعت به تمام معنای آن دانست. در چارچوب چنین نگرشی، محیط‌زیست‌گرایان بر این باورند که جهت وصول به آرمانهای سبز، ضرورت دارد فرامین سخت‌گیرانه‌ای جهت حفظ و حراست از محیط‌زیست در سطح بین‌المللی وضع گردد، چرا که مسائلی چون گازهای سمی و مواد آلوده‌کننده، بهره‌گیری از انرژی‌های فسیلی، سوراخ شدن لایه اوزون و امثال آن‌ها فقط یک مسأله ملی به شمار نمی‌رود که در محدوده دولت-ملت قابل حل باشد، بلکه یک مسأله مشترک بشری است که عزم جهانی را برای کنترل آن ضروری می‌نماید و در این راستا، وصول به الگویی که به دوام بیشتر طبیعت کمک کند، مهم و در واقع، اصل بنیادین تلقی می‌گردد (درخشه، ۱۳۸۴: ۱۷۱).

۴-۱. محیط‌زیست‌گرایی و مرکز‌دایی از انسان

انسان‌مداری (اومانیزم) یکی از محوری‌ترین اندیشه‌های عصر جدید غرب (روشنگری) به شمار می‌آید. در این برداشت، در مناسبات بین انسان و طبیعت، طبیعت سرکش و نافرمان قلمداد شده که باید انسان آن را تحت سیطره خود درآورد و به جهت هدفمند کردن بهره‌برداری از آن برای اهداف انسانی، ضروری است که در آن دستکاری نیز صورت پذیرد. این نگاه بدبینانه نسبت به طبیعت از دیدگاه اکولوژیست‌ها، ویژگی جهان‌بینی تجربی و طبیعی و محصول توسعه و بسط علوم تجربی دانسته شده و بسیاری از اندیشمندان این دوره یعنی کسانی چون فرانسیس بیکن، تامس هابز و جان لاک را مسؤول این دیدگاه می‌دانند. به نظر محیط‌زیست‌گرایان، خودمحوری انسان و بی‌علاقگی به جهان غیرانسانی از جمله طبیعت، علت بنیادین تباهی زیست‌محیطی می‌باشد که خود ناشی از بی‌عدالتی و بی‌مروتی و نگرش ابزارری به جهان غیرانسانی توسط انسان است، در حالی که محیط‌زیست‌گرایان برای طبیعت و موجودات غیرانسانی جایگاه خاصی قائل هستند (آذرنگ، ۱۳۶۴: ۱۴۰).

نیکولاس استرن (Nichlas Stern) در گزارشی که درباره تغییرات اقلیم برای دولت بریتانیا تهیه کرده: معتقد است «احتمالاً خسارات اقتصادی و انسانی تغییر اقلیم بسیار عظیم خواهد داشت.» استرن اشاره می‌کند «در حال حاضر مجموعه‌ی بسیار گسترده‌ای از شواهد علمی به وضوح نشان می‌دهند که تغییر اقلیم یک مشکل حیاتی و جدی است.» این شواهد نشان می‌دهند که اگر میزان انتشار سالیانه‌ی گازهای گلخانه‌ای با روند فعلی به رشد خود ادامه دهد، تا سال ۲۱۰۰ دمای زمین بین ۳ تا ۱۰ درجه سلسیوس افزایش خواهد یافت. پیامدهای این اتفاق وحشتناک خواهد بود. ۱ درجه افزایش دما به این معنی است که به دلیل گرمای زیاد، در بسیاری مناطق دنیا محصولات کشاورزی رشد نخواهند کرد. استرالیا از جمله کشورهایی است که بیشترین صدمه را خواهد دید. یخچال‌های طبیعی که آب مورد نیاز صدها میلیون نفر را تامین می‌کنند، هم‌اکنون در حال ذوب شدن هستند.

_____ زمینه‌ی اجتماعی تاثیرگذار بر شکل‌گیری جنبش اجتماعی محیط‌زیست‌گرا..... ♦

بر اساس این گزارش، افزایش قیمت مواد غذایی در سال ۲۰۰۸ تا حدودی به دلیل تغییر اقلیم بوده است و در برخی بخش‌های دنیا همین حالا نیز به دلیل اختلالات اقلیم محصولات کشاورزی رشد نمی‌کنند. در بیشتر مناطق دنیا، برنج در ارتفاع کمتر از یک متر از سطح دریا کشت می‌شود. بر اساس گزارش استرن، ۵۵ شهر از ۲۰ شهر بزرگ دنیا در خطر پدیده طغیان ساحلی هستند. بعنوان مثال، با گرم شدن چند درجه‌ای آب‌وهوا باعث بالا رفتن زمین و ذوب شدن کوه‌های یخی موجب بالا آمدن سطح آب اقیانوس‌ها و دریاها، زیر آب رفتن بخش وسیعی از سواحل را قطعی می‌کند، شاید در این شرایط کشورهای ثروتمند بتوانند چاره‌ای برای خود داشته باشند، اما کشورهای فقیر که با بیشترین تخریب محیط‌زیستی به لحاظ انتقال مواد خام این گونه کشورها به کشورهای ثروتمند شده است، توان مقابله با این تغییر اقلیم را نخواهند داشت (وال، ۱۳۹۴: ۳۱).

۲- محیط‌زیست‌گرایی و سیاست

بحث و بررسی درباره دیدگاه‌های سیاسی محیط‌زیست‌گرایی با دو مشکل روبرو است: یکی، نو بودن محیط‌زیست‌گرایی و دیگری، وجود انواع نگرش‌های سیاسی در این جریان فکری است که تحت تأثیر سنت‌های متفاوت قرار گرفته است. برای مثال، وابستگی که محیط‌زیست‌گرایی از دهه ۱۹۷۰ به بعد به نگرش‌های سوسیالیستی و تا حدودی به نگرش‌های آنارشیستی پیدا کرد، میزان این تفاوت را نشان می‌دهد، اما در عین حال موارد مشترکی بین همه زیرمجموعه‌های محیط‌زیست‌گرایی وجود دارد که یکی از مهمترین آن‌ها، «تجویز جامعه جایگزین غیرمتمرکز» است. دلیل اصلی محیط‌زیست‌گرایی در این تجویز این است که شکل‌دهی به جامعه غیرمتمرکز، فشار را بر روی جهان زیست کاهش می‌دهد، اما پرسش مهمی که پیش می‌آید، این است که چنین تمرکززدایی سیاسی چگونه صورت می‌پذیرد؟ محیط‌زیست‌گرایان استدلال می‌کنند تا آنجا که ممکن است باید جوامع را در جهت استفاده از منابع محلی به جای بهره‌گیری از منابع دوردست به لحاظ مکانی تشویق نمائیم، چرا که چنین بهره‌گیری باعث کاهش حمل‌ونقل و تجارت شده و تا حد بسیار زیادی مشکلات زیست‌محیطی حاصل از آن را کاهش می‌دهد و از نظر دیگر، تأکید بر نزدیک‌تر نمودن مناطق تولیدی و مصرفی نیز در همین راستا در اندیشه آنان توضیح داده می‌شود. هرچند این نقطه‌نظرات با نقدهایی همراه گشته است و از جمله گفته می‌شود مقولاتی چون مسمومیت‌های هسته‌ای و یا باران‌های اسیدی به این مسأله مربوط نمی‌شود، ولی در مجموع اندیشه تمرکززدایی سیاسی و اجتماعی در جهاتی یک موضوع اساسی برای طیف وسیعی از محیط‌زیست‌گرایان محسوب می‌شود (ماریسون، ۱۳۸۶: ۴۶-۵۱).

۲-۱. جنبش سبز به عنوان جنبش جدید اجتماعی

جنبش سبزها از جمله جنبش‌های جدید اجتماعی است که با اندیشه‌های حفظ محیط‌زیست و کره سبز یا به عرصه فعالیت اجتماعی نهاده و به سرعت هم پا به عرصه ساختار سیاسی گذاشت. نهضت سبز، تا حدودی به عنوان واکنشی در برابر کارکردهای خودویرانگر جوامع غربی و تا حدودی به مثابه نوعی پاسخ به آگاهی‌های روزافزون زیست‌محیطی شکل گرفت (شکری، اسماعیل‌زاده، رفیعی، بی‌تا: ۲۰۷).

طرفداران محیط‌زیست از دهه ۱۹۹۰ شروع به اعمال نفوذ بر سیاست اجتماعی کردند. طبق آمار در این دهه، ۸۰ درصد آمریکاییها و بیش از دو سوم اروپائیان خود را طرفدار محیط‌زیست می‌دانسته‌اند. جنبش‌های سبز در بیشتر کشورها غالباً به حزب‌های سبزی وابسته‌اند که به دنبال انتخاب شدن در مجالس ملی‌اند. جنبش‌های سبز در بیشتر کشورهایی که حزب سبز دارند، این حزب را وسیله‌ای برای اعمال نفوذ در فراگرد قانون‌گذاری می‌بینند، چه در هنگام طراحی سیاست‌های ملی، چه در زمان بحث لوایح و چه موقع به اجرا گذاشتن این سیاست‌ها. اندری مار کویتس و فیلیپ گورسکی در کتاب خود «چپ آلمان» می‌گویند که در سراسر دهه ۱۹۸۰ سبزها به عامل اجتماعی‌کننده چپ آلمان تبدیل شدند، به این معنا که عملاً تمام اندیشه‌های جدید آن، نوآوری‌های سیاسی، فرمول‌بندی‌های استراتژیک، شیوه زندگی و... از سبزها و اجتماع آن‌ها نشأت گرفت. ویلی برانت، صدر اعظم آلمان، دوست داشت بگوید سبزها، فرزندان گمشده حزب سوسیال دموکرات بوده‌اند، اما در حقیقت، سوسیال دموکرات‌ها با رویارویی اجباری‌شان با جنبش محیط‌زیست تجدید حیات یافتند (شکری، اسماعیل‌زاده، رفیعی، بی‌تا: ۲۰۸).

مفهوم دیگری که در ارتباط با نهضت محیط‌زیست وجود دارد، سیاست سبز است که در وهله نخست، به خودی خود یک نهضت نیست، بلکه استراتژی معینی است؛ یعنی ورود به دنیای سیاست انتخاباتی برای پیگیری هدف‌های حمایت از محیط‌زیست، اما نمای نزدیک مهم‌ترین نماینده سیاست سبز (سبزها) به وضوح نشان می‌دهد که در اصل، این جریان یک سیاست به معنای معمول نبود. حزب سبز آلمان در سال ۱۹۸۰ و با ائتلاف نهضت‌های مردمی شکل گرفت. این حزب اگرچه شاید در پیشبرد نهضت محیط‌زیست در آلمان بیش از تمامی نهضت‌های اروپایی دیگر در کشورهايشان مؤثر بوده، اما صرفاً یک نهضت زیست‌محیطی نیست. نیروی اصلی شکل‌گیری این حزب، «نهضت ابتکارات شهروندان» در اواخر دهه ۱۹۷۰ بود که عمدتاً دور محور صلح و مبارزه با سلاح‌های هسته‌ای بسیج شده بود. این حزب انقلابی‌های کهنه‌کار دهه ۱۹۶۰ و فمینیست‌هایی را که با تفکر درباره مردسالاری انقلابی‌های دهه ۱۹۶۰ در پی کشف خویشتن بودند، و اعضای جوان و تحصیلکرده طبقات متوسط را که به صلح، قدرت هسته‌ای و مسائل محیط‌زیست، دولت جهانی، آزادی فردی و دموکراسی از پایین

_____ زمینه‌ی اجتماعی تاثیرگذار بر شکل‌گیری جنبش اجتماعی محیط‌زیست‌گرا..... ۵
علاقه‌مند بودند، گرد هم می‌آورد. شکل‌گیری و موفقیت سریع سبزها (در سال ۱۹۸۳ وارد مجلس ملی شدند) که ناشی از اوضاع و احوالی بسیار استثنایی بود. برنامه سبزها شامل اکولوژی، صلح، دفاع از آزادیها، حمایت از اقلیت‌ها و مهاجران، فمینیسم و دموکراسی مشارکتی بود (امیرفریار، بی‌تا: ۵).

دو سوم رهبران حزب سبز فعالان نهضت‌های اجتماعی گوناگون در دهه ۱۹۸۰ بودند. سبزها به قول یکی از صاحب‌نظران، خود را یک حزب ضد حزب معرفی می‌کردند که هدفش، سیاست مبتنی بر درک جدید قدرت بود؛ قدرتی که همه در آن سهیم باشند و همگان برای همگان از آن بهره گیرند. آنها نمایندگان منتخب را برای تصدی مقام به صورت گردشی عوض می‌کردند و اکثر تصمیم‌ها را در شوراها می‌گرفتند و بدین ترتیب از سنت آنارشیستی پیروی می‌کردند که بیش از آنچه خود سبزها می‌پذیرند، مایه الهام آنان بوده است. حزب سبز آلمان بعد از یک فراز و نشیب در دهه ۱۹۸۰، دوباره در دهه ۱۹۹۰ با تجدید سازمان و جهت‌گیری‌های نوین جان تازه‌ای یافت و دوباره وارد پارلمان شد و در اداره‌های محلی و منطقه‌ای، به ویژه در چند شهر، موقیعت مستحکمی بدست آورد و گاهی با سوسیال دموکرات‌ها متحد شد. اما این همان حزب سابق نبود، بلکه واقعاً به یک حزب سیاسی تبدیل شده بود (همان، ۴۳).

اندرودابسون، استاد دانشگاه و عضو حزب سبز انگلستان، سیاست سبز را یک ایدئولوژی سیاسی مستقل می‌دانست و معتقد بود که ایدئولوژی استحاله جامعه را طلب می‌کند. اندرودابسون با تاکید بر چند رکن برای سیاست سبز، زیست بوم را رکن اول این سیاست و برای عدالت به عنوان دومین رکن اهمیت ویژه‌ای قائل بود. سبزها می‌گویند صیانت از محیط‌زیست نباید به زیان فقرا باشد یا به بی‌عدالتی منجر شود، ایشان در رکن سوم با اشاره به دموکراسی از پایین با نفی سیاست‌های سلیقه‌ای به آرای جمعی تاکید داشتند. ایشان با تاکید بر اهمیت رکن دوم (عدالت اجتماعی) در سیاست سبز، دغدغه بسیاری از سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی را ترکیبی از محیط‌زیست و عدالت اجتماعی و دموکراسی از پایین می‌دانست (وال، ۱۳۹۴: ۱۳، ۱۲).

۳- جنبش محیط‌زیست‌گرایی در ایران

امروزه، هرچند جنبش‌های محیط‌زیست‌گرایی یک پدیده اجتماعی جدید جهانی است که تا حدودی ارتباط غیرمستقیم با هم دارند، اما جنبش‌هایی که در ایران فعالیت زیست‌محیطی دارند، به دلیل عدم فرصت مشارکت در سیاست‌گذاری حکمرانی به اندازه جنبش‌های فعال در دیگر کشورها، بویژه کشورهای توسعه‌یافته در حفاظت از محیط‌زیست بدلیل ساختار معیوب موفق نبودند؛ ساختاری که چندین دهه است نتوانسته مسئله آلاینده‌های داخلی را به سرانجام

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹ ———
برسانند، هرچند طی سال‌های اخیر مسائل زیست‌محیطی و عوامل مؤثر بر آن مورد توجه گسترده سیاستگذاران و پژوهشگران قرار گرفته و مطالعات فراوانی در این زمینه صورت گرفته است. هریک از این مطالعات نقش عوامل متعددی مانند رشد اقتصادی، میزان مصرف انرژی، جمعیت و غیره را بر آلودگی محیط‌زیست بررسی کرده‌اند، اما آنچه کمتر مورد پژوهش قرار گرفته است، نقش بسیار مهم و حساس جنبش‌های اجتماعی محیط‌زیست‌گرایی در قالب تشکل‌های مردم‌نهاد بر این تحولات زیست‌محیطی است.

در ایران، با رشد فزاینده شهرنشینی و ایجاد توسعه نامتوازن و تجربه توسعه‌یافتگی، شاهد از میان رفتن بخش مهم و وسیعی از منابع طبیعی و زیستی هستیم. تجارب دوران‌های مختلف لزوم شروع جنبشی نوین را نوید می‌دهد که از محیط‌زیست و طبیعت در مقابل موج افسارگسیخته تخریب حفاظت کند. برای مثال، با رشد تصاعدی پدیده دلالی و واسطه‌گری در ایران، از گذشته و تشدید آن طی سالیان اخیر (خصوصاً پس از پایان گرفتن جنگ ایران و عراق) و تبدیل آن به ارزشی اجتماعی و در نهایت، تأثیر آن بر تخریب محیط‌زیست، به راحتی می‌توان نوعی تخریب طبیعت را دید، به طوری که در یک مقایسه ساده با شهرهای پیشرفته در قلب توسعه‌یافته‌ترین کشورها، تفاوت‌ها و میزان تخریب و آلودگی را می‌توانیم حس کنیم. همین روند مدرنیزاسیون و اهمیت یافتن توسعه خصوصاً پس از سال‌های دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ به بعد است که از طرفی، مهمترین زمینه اجتماعی و سیاسی را بر تخریب محیط‌زیست و از طرف دیگر، زمینه داخلی اصلی را برای جنبش محیط‌زیست‌گرایی در ایران فراهم آورده است (فراهانی‌فرد، ۱۳۸۸: ۱۳۲).

در واقع، ما بدون تدبیر در حال تجربه کردن تجاربی هستیم که در کشورهای توسعه‌یافته تجربه شده‌اند. پیدایش سازمان حفاظت از محیط‌زیست در درون ساختار دولت و جنبش‌های نوینی که هر چند هنوز نتوانسته‌اند عرض‌اندام کنند، دلیلی آشکار برای حمله انسان ایرانی به زیستگاه خود است. اگر روند مدرنیته را کنترل بیشتر بشر بر دنیای پیرامون‌اش تعریف کنیم، و ورودمان به این عرصه را از اواخر دوران قاجاریه و شروع سلطنت پهلوی اول تا به امروز بدانیم، از حیث استفاده از منابع طبیعی می‌توانیم خود را جزء مدرنترین کشورها قلمداد کنیم. علل ایجاد جنبش‌های حفاظت از محیط‌زیست که شاید بتوان موفق‌ترین‌شان را در آلمان جستجو کرد که توانسته‌اند به حزب تبدیل شوند و در انتخابات‌های مختلف اثر بگذارند، و میزان توفیق آنها در دست یافتن به مطالباتشان در ایران می‌تواند تبدیل به مطالعه‌ای جامعه‌شناختی شود. در این تحقیق، با توجه به شرایط موجود در کشور، سعی کرده‌ایم وجود و زمینه‌های جنبش‌هایی را بررسی کنیم که به نام جنبش‌های محیط‌زیستی یا سبز شناخته می‌شوند. فعالیت‌ها و حرکت‌های زیست‌محیطی در ایران طی دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ دچار افت و خیزهایی شده‌اند که حرکت

_____ زمینه‌ی اجتماعی تاثیرگذار بر شکل‌گیری جنبش اجتماعی محیط‌زیست‌گرا..... ♦
آن‌ها را با مشکلاتی روبرو ساخته است. بسیاری از سازمانهای مردم‌نهاد به دلیل مشکلات درون‌ساختاری و برون‌ساختاری قادر به ادامه فعالیت نبوده و فروپاشیده‌اند و اکنون نیز البته، تعداد قابل توجهی از این جنبش‌ها با توجه به شرایط موجود مشغول فعالیت هستند.

در واقع، هر چه که فعالیت‌ها تخصصی‌تر شده و به محیط‌زیست پرداخته شده است، دچار مشکلات برون‌ساختاری کمتری شده‌اند. از جمله مشکلات مهم و عدیده‌ای که اکثر این سازمانها گرفتار آن هستند، عدم وجود گفتمان دموکراتیک در درون و برون خودشان و نیز سلطه و هژمونی اقتدار عمودی است، به طوری که شدیداً گرفتار مشکلاتی مانند لایبگری در سطوح مدیریتی و ابقاء مدیر و هیئت مدیره و نبود گردش‌نخبگان هستند. عوامل بیرونی دیگری مانند دولت متورم و سلطه آن در همه عرصه‌های زندگی و نگاه امنیتی شده حکومت، از عواملی است که در روند حرکت فعالان محیط‌زیست اختلال ایجاد کرده است (فراهانی فرد، ۱۳۸۸: ۱۲۰).

۳-۱. ماهیت جنبش‌های زیست‌محیطی در ایران

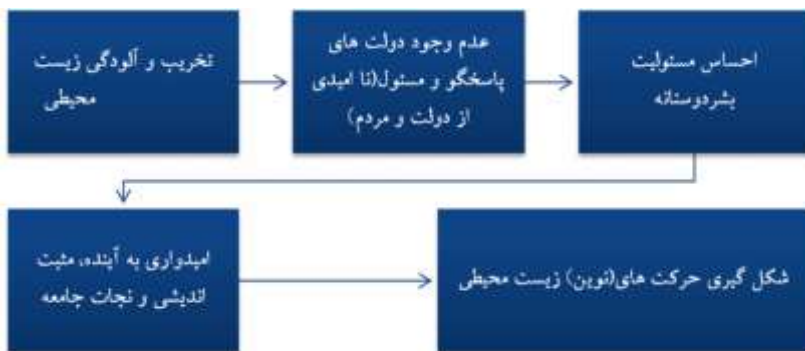
جنبش‌های زیست‌محیطی در ایران را می‌توان شامل افراد فعال که به صورت انفرادی و داوطلب و سازمانهای مردم‌نهاد زیست‌محیطی که شکل و شمایل سازمانی یافته‌اند و سازوکارهای سازمانی به خود گرفته‌اند و لایه‌های اجتماعی گوناگون دانست که مانند جزایر از هم دور افتاده‌اند، درست مانند کثرت نامنسجم^۱. یکی از مفاهیم ریاضیات از نوع کثرت نامنسجم، کانتور گئورک کانتور ریاضیدان آلمانی است. این اصطلاح همچنین یکی از مهمترین واژه‌های هستی‌شناسی آلن بدیو را تشکیل می‌دهد که در واقع، نامی است برای وجود محض، پیش از آنکه وضعیتی و شمارشی در کار بوده باشد. در این حالت، با کثرتی محض سر و کار داریم که چه از پایین و چه از بالا، به هیچ نوع امر واحد نمی‌رسند و صفت «نامنسجم» دقیقاً بر همین امر دلالت دارد (آگامبن، ۱۳۸۷: ۴۵).

جنبش محیط‌زیست در ایران از اواسط دهه ۱۳۷۰ شکل گرفت، ولی هنوز آرمان‌های کلی خود را پیدا نکرده است. سازمان غیردولتی زیست‌محیطی حرکت خود را زودتر به عنوان یک تشکل غیررسمی از سال ۱۳۴۹ آغاز کرد. در اوایل سال ۱۳۷۰، به تدریج ۴ الی ۵ سازمان غیردولتی زیست‌محیطی در کشور تشکیل شد که این روند به تدریج رو به افزایش نهاد و در حال حاضر به اوج خود رسیده است. فعالیت اکثر این سازمانها، آگاه‌سازی و آموزش است و غالباً درباره مسائل محیط‌زیست شهری کار می‌کنند، ولی برخی مسائل تخصصی مانند حیوانات، توسعه روستایی، بیابان‌زدایی و حفاظت از جنگل نیز در دستور کار آن‌ها دیده می‌شود.

^۱. (inconsistent multiplicity)

۲-۳. زمینه‌های شکل‌گیری جنبش زیست‌محیطی در ایران

شکل‌گیری جنبش زیست‌محیطی در ایران را می‌توان در وقوع تخریب و آلودگی محیط‌زیست و هشدار برای وقوع از فاجعه زیست‌محیطی بیان نمود. در نمودار زیر به عوامل گوناگونی که در ایجاد این جنبش نقش داشته‌اند، اشاره شده است. نمودار شکل‌گیری حرکت‌های زیست‌محیطی در ایران را می‌توان به صورت زیر ترسیم کرد.



در همین جا، در ذیل نمودار فوق می‌توانیم به سؤال اصلی پژوهش حاضر پاسخ دهیم. جنبش زیست‌محیطی در ایران به عنوان جنبش اجتماعی جدید، خود را با شرایط موجود وفق داده‌اند، با همزیستی مسالمت‌آمیز با دولت‌های گوناگون ضمن حفظ هویت اصلی خود مبنی بر اعتراضات مدنی و فعالیتهای تخصصی‌تر شده، سعی در ایجاد محیط‌زیستی بهتر و شایسته‌تر برای هر انسان ایرانی و جهان انسانی دارند (دیباچی، ۱۳۷۸: ۲۱).

طبق تئوری ملوچی، جنبش زیست‌محیطی در ایران از افراد آگاه که هویتشان در جامعه مدنی بازتعریف می‌شود و به عنوان شبکه‌های شناور و نامحسوس در حال شکل گرفتن است که با روند کندی پیش می‌روند، شکل و قوام یافته‌اند و در حال تبدیل شدن به جنبشی اجتماعی هستند. ملوچی در علت‌یابی جنبش‌ها بیش از همه به عامل شبکه‌های شناور نامحسوس در میان افراد در جریان زندگی روزمره تأکید دارد. از نظر او، در جامعه پیچیده و اطلاعاتی جدید، افراد در زندگی روزانه خود تجربیات جدیدی خلق و با هم رد و بدل می‌کنند که اغلب به چشم نمی‌آید و جنبش‌ها از این تجربیات تغذیه می‌کنند، لذا در دوره‌هایی که جنبش تحت فشار قرار می‌گیرد، عده‌ای فکر می‌کنند جنبش خاموش شده است، در صورتی که شبکه روابط سیال و نامرئی میان طرفداران جنبش، که در زندگی روزمره آن‌ها در جریان است، کار خود را انجام می‌دهد (درخشه، ۱۳۸۴: ۱۶۹).

_____ زمینه‌ی اجتماعی تاثیرگذار بر شکل‌گیری جنبش اجتماعی محیط‌زیست‌گرا..... ♦
آن‌ها راه‌های دیگری برای پیشگیری مطالبات خلق می‌کنند و قواعد مسلط جامعه را به چالش می‌کشند و به محض یافتن فرصت، مردم را به بسیج و اعتراض عمومی دعوت می‌کنند. هواداران این جنبش‌های جدید برخلاف جنبش‌های متعارف که از طریق تشکل‌ها و احزاب سیاسی به دنبال کسب سمت‌های دولتی هستند، علاقه‌مند به ایجاد فضایی برای ابراز عقاید اعضای خویش در حوزه جامعه مدنی هستند و مستقیم به دنبال کسب قدرت نمی‌روند. به عبارت دیگر، دلمشغولی اصلی کنشگران جنبش‌های جدید، معنا و هویت‌یابی دائمی در زندگی دائماً در حال تحول کنونی است (جلایی‌پور، ۱۳۸۱: ۱۲۲).

بر پایه این تئوری، فعالان محیط‌زیست با حرکتی تخصصی‌تر و آرام‌تر و بعضاً کند، در حال حرکت‌اند و اگر میزان اثرگذاری آن‌ها کم و نامحسوس است، به دلیل تخریب گسترده و ایجاد فجایع زیست‌محیطی و بعضاً گرفتار آمدن در دام گروه‌های سیاسی و تبدیل شدن به بنگاه‌های اقتصادی است. فعالیت‌هایشان به صورت آشکار برگزار می‌شود و بعضاً مورد استقبال عمومی نیز قرار می‌گیرند، اما به دلیل خودانکاری خود را نادیده انگاشته و اصولاً به فراق‌کنی علیه دولت و مردم می‌پردازند. دلیل محکمی که بر فعالیت آنان وجود دارد، این است که در این پژوهش، با بسیاری از آنان مصاحبه انجام شد و بسیاری هم به دلیل فعالیت‌های خود در مسافرت بوده و در دسترس نبودند. اینها نشان از فعال بودن آنان دارد. حرکت زیست‌محیطی در ایران به شکل بسیار مدرن و تخصصی شده وجود دارد و هر روز در حال تخصصی‌تر شدن است؛ می‌توان گفت جنبشی کاملاً نوین وجود دارد که به مطالبات خود می‌پردازد، بازتاب آن‌ها در جامعه کم‌سو و کم‌اثر است؛ آن هم به دلیل وجود موانع ساختاری می‌باشد که در نمودارهای فوق به آنها اشاره شده است.

۳-۳. علت افول سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیست‌گرایی در دهه ۱۳۸۰

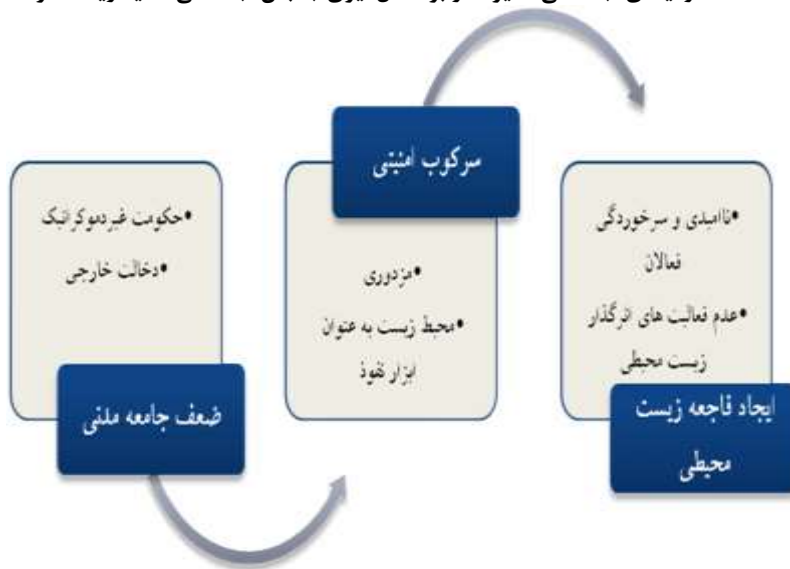
پس از روی کار آمدن دولتی که در خرداد ۱۳۷۶ لقب اصلاحات را برای خود برگزید، سازمان‌های مردم‌نهاد رشد قابل توجهی یافتند، از جمله سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی، اما پس از تأسیس، بسیاری از آنها دچار انحراف از مسئولیتها و تعاریفی شدند که تولد و بستر رشد و نمو سازمان‌های مردم‌نهاد از آنها نشأت می‌گیرد. برای مثال، برخی از این سازمانها با تغییر رفتار مدنی به سوی دولت رفته و حالت حزبی به خود گرفتند و با گرفتن بودجه‌های کلان از دولت تبدیل به بنگاه‌هایی شدند که حتی کارکرد دلالی خود را هم از دست دادند. برخی به دلایل امنیتی مورد بازجویی و در نهایت، تعطیلی قرار گرفتند. کافی است به این سخن مایکل لدین (۱۹۴۱)، تحلیلگر نومحافظه‌کار و عضو سابق شورای امنیت ملی آمریکا، دقت کنیم تا دریابیم که چگونه دخالت در امور کشورها از سوی قدرت‌های جهانی می‌تواند هم ابزار سرکوب برای جامعه مدنی فراهم آورد و هم جامعه را از سمت و سوی رسیدن به بلوغ و تجربه درونی فرهنگ

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹ ———

دموکراتیک به دور نگه دارد. لدین طرح تغییر از درون را تنها راهکار کنونی برای مقابله با نظام اسلامی ایران می‌داند. وی در مصاحبه با شبکه CBN در ۲۸ آوریل ۲۰۰۴، در پاسخ به این پرسش که: برای ضربه زدن به مالاها در ایران چه طرحی دارید؟ «حمایت از سازمان‌های غیردولتی داخلی ایران و سازمان‌های صنفی از جمله راهکارهایی است که به کمک آن‌ها می‌توان میلیون‌ها نفر را در برابر حاکمان ایران قرار داد» (شکری، بی‌تا: ۱۳۲).

در واقع، تجربه‌هایی که جهان سرمایه‌داری در فروپاشی شوروی توسط نفوذ به جهان کمونیسم و سوسیالیسم توسط سازمان‌های مردم‌نهاد پیدا کرده است، به عنوان راهکاری برای مقابله با ایران هم در نظر گرفته شده است. از این سو، حکومتی مانند حکومت فعلی ایران و تمام کشورها تجربه فروپاشی بلوک شرق را دارا هستند و برای مقابله با چنین تصمیماتی، آسان‌ترین راهی را که انتخاب می‌کنند، سرکوب و محو جامعه مدنی و به تبع آن، سازمان‌های مردم‌نهاد است. در واقع، در اینجا تر و خشک با هم می‌سوزند؛ این یک فاجعه تاریخی است که در ایران وجود دارد، یعنی حضور افرادی در داخل ایران برای تأمین منافع دیگران. محیط‌زیست هر جا که به عنوان ابزار به کار گرفته شود، مخصوصاً ابزار سیاسی، موجبات نابودی خود را فراهم می‌کند. در این شرایط، کسانی هم که دلسوزانه و متعهدانه در مقام یک شهروند خود را مسئول مبارزه و اعتراض در مقابل فجایع زیست‌محیطی می‌دانند، مورد سرکوب قرار می‌گیرند و این امر دلسردی و ناامیدی آنان را به ارمغان می‌آورد. در حال حاضر، بسیاری از فعالان معتقدند که اگرچه فعالیت‌های زیست‌محیطی جنبه اعتراضی دارند و به طور مستقیم با سیاست‌های کلان دولت‌ها مرتبط هستند، اما به هیچ عنوان نباید به عنوان یک ابزار سیاسی در دست قدرتهای داخلی و خارجی قرار گیرند. محیط‌زیست امری ملی و جهانی است و سیاست بازی تنها مخرب و مانع این مسئولیت ملی و جهانی است.

_____ زمینه‌ی اجتماعی تاثیرگذار بر شکل‌گیری جنبش اجتماعی محیط‌زیست‌گرا..... ♦



نمودار: نگاه امنیتی حکومت، علت افول سازمان‌های مردم‌نهاد در دهه ۱۳۸۰

نتیجه‌گیری

حرکت‌های زیست‌محیطی در ایران به عنوان یک جنبش مدرن که از تجارب جهانی به دست آمده و شرایط ناشی از شیوه نوین زندگی در ایران است را می‌توان یک جنبش اجتماعی نرم و آهسته و پراکنده، اما دارای هدفی مشترک و دور از شرایط و روندهای جنبش‌های اجتماعی متعارف و کلاسیک (بسپج عمومی، رهبری، و...) به حساب آورد که با روندی بسیار ضعیف، کند و در حال گسترش می‌باشد. شاید دور از انصاف نباشد که این حرکت‌ها را نوعی از جنبش اجتماعی به حساب آورد که تعریف جدیدی از جنبش ارائه می‌دهند؛ افرادی که حوزه‌های تخصصی شده و متمایز شده‌ای برای خود تعریف کرده‌اند و در همان حوزه‌ها مشغول فعالیت و اثرگذاری هستند. کنشگرانی که در عرصه جامعه فعالیت دارند و دغدغه زیست بهتر و تنفس که نیاز هر انسان است را یادآوری و برای رسیدن به آن، فعالیت و مبارزه و اعتراض می‌کنند.

فعالان محیط‌زیست در ایران در ذیل محیط‌زیست‌گرایان قرار می‌گیرند و لایه‌های ضعیفی از زیست‌بومگرایی نیز در آنان مشاهده می‌شود. شاید تمرکز دولت و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی به درآمد بیشتر با کمترین دغدغه زیست‌محیطی جنبش‌های اجتماعی را بر آن داشته است تا اعتراضات خود را به دلیل نبود نهادی پاسخ‌گو با استفاده از فناوری اطلاعات نسبت به آگاه‌سازی مردم تلاش مضاعف کنند. در واقع، جنبش‌های جدید اجتماعی محیط‌زیست‌گرایی با

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹

آینده‌نگری به دنبال ایجاد جامعه‌ای جدید بر مبنای اندیشه نو برای زندگی در کنار توسعه اقتصادی در شرایط جهانی شدن هستند. آنها می‌خواهند حکمرانی از منظر کاپیتالیستی به اکولوژی اجتماعی تغییر رفتار داده و جنبش‌ها را مانع توسعه قلمداد نکنند و با درک عمیق از عمق فاجعه پیش رو در جهان امروزی، تغییر در ساختارهای حکمرانی را برای حفظ محیط‌زیست به عنوان ضرورت قبول کند، چرا که عدم توجه به این شرایط زمینه تشدید کنش کنشگران مدافع محیط‌زیست را مهیا می‌کند. در واقع، متناسب‌سازی ساختارها توسط حکمرانی با سبک زندگی جدید که حاصل مدیریت است، نیازمند ساختاری در قالب وضع فعلی نظم جهانی با توان مدیریت بهینه زیست بشری را برای صیانت از محیط‌زیست قبل از شورش جنبش‌های زیست‌محیطی مهیا کند، در غیر این‌صورت، زمینه برای رشد و تولید جنبش از اختیار حکمرانی خارج است. به قول آنتونی گیدنز، جنبش اجتماعی از جمله اشکال کنش جمعی برای دست‌یابی به دگرگونی در برخی از جنبه‌های نظم موجود در جامعه است.

آموزش و مدیریت شناخت با حقوق اولیه شهروندی شهروندان، در حوزه محیط‌زیستی جزء وظایف ذاتی حکمرانی است تا در سایه آن، جامعه به اهمیت این مسئله آگاه شود؛ آگاهی از این که در آینده قطعاً مهم‌ترین چالش امنیتی، تهدیدات امنیت زیست‌محیطی است که می‌تواند جهان را با بحران مواجه سازد. اولاً، حکمرانی باید در کنار رشد صنعت و مدرنیته در قالب سازمان محیط‌زیست، درک محیط‌زیست را در کشور افزایش دهند که در این راستا، می‌توانند ضمن استفاده از تکنولوژی فن‌آورانه جهان امروزی، با مشارکت رسانه‌های جمعی و تکنولوژی‌های ارتباطی مانند شبکه‌های اجتماعی به جای کتمان وضعیت فعلی محیط‌زیستی در کشور، افکار عمومی را با مشارکت و تقویت فعالان مدنی (سمن‌ها) به نجات محیط‌زیست که مساوی است با نجات آینده، تلاش کند. دوم اینکه حکمرانی باید خود را همسو با دغدغه زیست‌محیطی جنبش‌های جدید اجتماعی فعال در این عرصه بداند، نه در مقابله با این جنبش، و در راستای آن، اقدامات خود را متناسب با دیدگاه جهانی انجام دهند. سوم اینکه حکمرانی باید با اصلاح ساختار خود در این حوزه جایگاه و اختیارات سازمان محیط‌زیست را تقویت و با توجه به حساسیت بین‌المللی، این سازمان را با نظام بین‌الملل پیوند دهد. نهایتاً اینکه حکمرانی باید جنبش‌های محیط‌زیستی را مدافع زیست بشری در کنار خود قبول کرده و از تخاصم با این جنبش‌ها خوداری کند، چرا که این حرکت پشتوانه داخلی و خارجی مردمی دارد و یک حرکت جهانی است و نمی‌توان در مقابل آن دیوار کشید. نگاه کاپیتالیستی به محیط‌زیست که بر پایه تولید و مصرف به منظور سود بیشتر است، با اصلاح ساختار اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از زاویه کاپیتالیستی به اکولوژیستی اجتماعی، می‌تواند به نجات محیط‌زیست کمک کند.

_____ زمینه‌ی اجتماعی تاثیرگذار بر شکل‌گیری جنبش اجتماعی محیط‌زیست‌گرا..... ۵

منابع

الف: منابع فارسی

- آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۶۴). **تکنولوژی و بحران محیط زیست**، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- آگامین، جورجو (۱۳۸۷). **وسایل بی‌هدف: یادداشتهایی در باب سیاست**، ترجمه امید مهرگان و صالح نجفی، تهران، چاپ اول.
- براون، لستر و همکاران (۱۳۷۵). **نگاهی به وضعیت جهان**، ترجمه دکتر حمید طراوتی، چاپ اول، نشر آروین.
- بیرو، آلن (۱۳۸۰). **فرهنگ علوم اجتماعی (انگلیسی - فرانسه - فارسی)**، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، چاپ چهارم، انتشارات کیهان.
- جلالی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۱). **جامعه‌شناسی جنبشهای اجتماعی، با تأکید بر جنبش اصلاحی دوم**، خرداد، تهران، طرح نو.
- امیرفریار، فرخ (بی‌تا). **به هر حال خوب یا بد، این دنیایی تازه است**، جهان کتاب، شماره چهارم، ص ۶.
- درخشه، جلال (۱۳۸۴). **جستاری در اندیشه‌های بوم‌گرایی**، دانش سیاسی، دوره ۱، شماره ۱.
- دیبایی، شادی؛ همتیان، فریبا و آرتا، فاطمه (۱۳۷۸). **برنامه جامع آموزش همگانی محیط‌زیست (با رویکرد سند چشم انداز برنامه توسعه کشور)**، تهران: سازمان حفاظت محیط‌زیست.
- شگری، اسماعیل‌زاده؛ رفیعی، غلام‌علی؛ خالد، محسن (بی‌تا). **ارزیابی جنبش سبز در ایران**، زریبار، ۶۶، ۶۵.
- فراهانی‌فرد، سعید (۱۳۸۸). **اصلاح الگوی مصرف و محیط‌زیست**، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، دوره ۹، شماره ۳۴.
- دابسون، اندرو (۱۳۷۷). **فلسفه و اندیشه سیاسی سبزه‌ها**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، آگاه.
- کارسون، راشل (۱۳۸۸). **بهار خاموش**، ترجمه عبدالحسین وهاب زاده، علیرضا کوچکی، امین عزیززاده، مشهد، چاپ اول، جهاد دانشگاهی مشهد.
- کومنز، باری (۱۳۸۲). **انسان و محیط‌زیست**، ترجمه بهروز دهزاد، تهران، موج سبز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱). **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، چاپ هفتم، نشر نی.
- مایرسون، جرج (۱۳۸۶). **زیست‌بوم و پایان پست‌مدرنیته**، ترجمه محمدرضا ربیعیان، تهران، چاپ اول، نشر چشمه.
- گیر، آرن (۱۳۸۰). **پسامدرنیسم و بحران زیست‌محیطی**، ترجمه عرفان ثابتی، تهران، چاپ

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹

یکم. نشر چشمه.

-وال، درک (۱۳۹۴). *راهنمای مختصر سیاست سبز*، ترجمه <http://zaminian.org>

منابع لاتین:

- Mobarak, A. & Mohammadloo, N. (2011). **Investigating the effect of commercial release on greenhouse gas emission: Haven pollution and Kuznetscurve**, *Quarterly Journal of planning and budgeting*, 14 (1) :31-58. (In Persian)
- Kazeroni, A. & Foshari, M. (2010). **The impact of industrial export on the Environmental in Iran**, *Quarterly Journal of commercial research*, 55:183-212.
- Jafaree Samimi, A. & Gholami, Z. (2015). **Effect of the globalization of the economy on environmental sustainability, comparison of developing and developed countries**, *Quarterly Journal of Commerce Research*, 75:1-18. (In Persian).
- Stern, Nicholas (2007). **The economics of climate change: the Stern review**, UK Treasury, London.